



A Comparative Look at Judges of the Commercial Court Commercial Court Judges: A Comparative Perspective

-  **Hassan Mohseni** | Professor at Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author) hmohseni@ut.ac.ir
-  **Somaye Allahi** | LLM in Public Law, University of Tabriz, Tabriz, Iran s.m.y.elahi@gmail.com

Received: 2024-07-25

Accepted: 2024-12-01



Abstract

Dealing with disputes arising from commercial transactions, conducted on a daily and intermittent basis, requires expedited proceedings that are hardly compatible with the general rules of civil procedure. Part of the economic life of society depends on the outcome of these lawsuits; For this reason, it is appropriate to entrust determination of entitlement in such claims to person or persons who have been duly selected and are familiar with the ins and outs of commercial affairs. Judges serving in public courts do not have the opportunity, and perhaps the motivation, to master the voluminous laws and emerging customs in this field.

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 7 | No. 25 | Wnter 2025
(Original Article)

<https://jcl.illrc.ac.ir>

DOI:
10.22034/law.2024.2036605.1422

Various laws and bills have mentioned establishment of a specialized institution to deal with commercial disputes, and each more or less addresses the qualifications of the judges who will be appointed to adjudicate such claims. The findings of this study indicate that the current practice prevalent in France, in which proceedings are conducted by at least three judges selected from among businessmen and not professional judges, has been almost abandoned by the rest of the world. On this basis, the existence of professional judges and students with legal degrees in Iran continues to be acknowledged. Judgment rendered by a panel of judges or a single judge is also another aspect that has been raised; in this regard, however, it is likely that by resorting to the method of employing a number of judges, issuance of judgments with greater accuracy will increase. However, considering the inherent limitations and complexities of proceedings conducted by a panel of judges and the need for coordination between them, indicates that multiplicity of judges would be in conflict with the philosophy of separating the trial of commercial claims from the jurisdiction of public courts and the need to observe the speed principle in dealing with these claims. And in short, the best way, right now, is to trust and refer these cases to an expert and experienced judge in this field, and simply increasing the number of judges will not solve a problem.

Keywords: Commercial court, expert judge, lay judge, a single judge.



نگاهی تطبیقی به دادرسان دادگاه بازرگانی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
hmohseny@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

حسن محسنی 

کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
s.m.y.elahi@gmail.com

سمیه الهی 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۴



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۷ | شماره ۲۵ | زمستان ۱۴۰۳

(مقاله پژوهشی)

<https://jcl.illrc.ac.ir>

DOI:

10.22034/law.2024.2036605.1422

چکیده

در قوانین و لوایح مختلف، از تأسیس نهاد اختصاصی برای رسیدگی به دعای بازرگانی نام برده شده و هریک هم کم‌وبیش به‌ویژگی‌های دادرسانی که عهده‌دار کرسی قضاوت آنها خواهند شد، پرداخته‌اند. حاصل یافته‌های این پژوهش حکایت از این دارد که شیوه کنونی رایج در کشور فرانسه که در آن رسیدگی توسط دست‌کم سه نفر دادرس منتخب از میان بازرگانان و نه قضات حرفه‌ای انجام می‌شود، در دنیا تقریباً کنار گذاشته شده است. بر همین مبنا وجود قضات حرفه‌ای و محصل رشته حقوق در ایران همچنان مورد تأیید است. قضاوت گروهی و یا وحدت قاضی هم، از دیگر وجوه مطرح است؛ در این باره، هرچند این احتمال می‌رود که با توسل به شیوه تعدد دادرس، صدور آرای سنجیده‌تر افزایش یابد.

اما، توجه به محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های ذاتی رسیدگی گروهی و لزوم هماهنگی بین ایشان، مؤید این حقیقت است که تعدد قضات، در تقابل با فلسفه جداکردن دادرسی دعاوی بازرگانی از حوزه صلاحیت دادگاه‌های عمومی و لزوم رعایت اصل سرعت در رسیدگی در این دعاوی قرار می‌گیرد؛ و مخلص کلام، بهترین راه، هم‌اکنون، اعتماد و واگذاری رسیدگی به این دعاوی به یک نفر قاضی متخصص و باتجربه در این زمینه است و صرف افزایش تعداد قاضی دردی را دوا نخواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: دادگاه تجاری، قاضی متخصص، دادرس غیر حرفه‌ای، وحدت قاضی.

مقدمه

با تصویب متن ۱۳۴۳ ماده‌ای موسوم به لایحه تجارت^۱ در فروردین ماه سال ۱۴۰۳ در مجلس شورای اسلامی، بار دیگر نگاه‌ها به سمت حقوق تجارت برگشت؛ فصل سوم کتاب سوم این لایحه مشتمل بر ۹ ماده، «دادگاه تجارت» نام گرفت، و ماده ۴۸۲ آن هم، به توصیف ویژگی‌های قضات این محاکم اختصاص پیدا کرده است. این در حالی است که هنوز لایحه آیین دادرسی تجاری^۲ سال ۱۳۹۰ تعیین تکلیف نشده است. هرچند که با وجود ماده ۴۸۴ این لایحه که ابراز داشته رسیدگی به امور و دعاوی مزبور در آن فصل «تابع اصول و مقررات دادرسی مدنی» است، بتوان حدس زد که قرار هم براین نیست که برای این دادگاه‌ها، مقررات دادرسی ویژه‌ای نوشته شود؛ موضوعی که خود تا حدود زیادی اساس تشکیل این دادگاه‌ها را با تردید جد مواجه می‌سازد.

به هر روی، در کنار دو مورد مزبور، مصوبات دیگر موجود در این زمینه مانند ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی و تشکیل مجتمع‌های اختصاصی رسیدگی به دعاوی بازرگانی به استناد آیین‌نامه «شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی»، نشانگر درک الزامی بودن رسیدگی به دعاوی بازرگانی در ساختار و بافتار مستقل از دادرسی عمومی مدنی می‌باشد. چه آنکه در مقدمه توجیهی ل.آ.د.ت، اذعان شده است که «با توجه به توسعه چشمگیر امور و فعالیت‌های تجاری در سال‌های اخیر و اهمیت تنظیم روابط میان تجار در رشد و توسعه اقتصادی کشور و با عنایت به نقش انکارناپذیر رسیدگی تخصصی به امور و دعاوی تجاری در توسعه تجارت، تسهیل سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های اقتصادی جوامع امروزی و نظر به منسوخ شدن قوانین پیشین که محکمه تجارت بر اساس آن‌ها تشکیل و استقرار یافته بود و با لحاظ ضرورت احیای مجدد محاکم تجاری و رسمیت بخشیدن به چنین نهادی به منظور تسریع، دقت و تخصص و تسهیل رسیدگی به امور و دعاوی تجاری و در اجرای بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون

۱. به اختصار از "ل.ت." استفاده می‌شود.

۲. به اختصار از "ل.آ.د.ت" استفاده می‌شود.

اساسی و در راستای رشد و شکوفایی جامعه تجاری و تولید کشور،» (لایحه آیین دادرسی تجاری، ۱۳۹۰: مقدمه توجیهی) تشکیل دادگاه‌های تجاری ضروری است.

در تمامی مواد قانونی اشاره شده در بالا، اختصاص موادی به‌ویژگی‌های دادرسان دعاوی بازرگانی مشترک است. و از سوی دیگر با توجه به این گفته که دادگاهی موفق است که فرایند انتخاب و انتصاب در آن به‌استخدام قضات متبخر مختوم می‌شود (Gibbons, 1995: 47) و با ملحوظ داشتن این مطلب که اعمال دادگاه بازرگانی بر افراد بی‌شماری درسراسر جامعه از جمله، کارکنان، سهامداران، طلبکاران، تأمین‌کنندگان و مشتریان شرکت‌های بازرگانی تحمیل می‌شود (Block et al., 1997: 953) اهمیت پرداختن به این مسئله چندین برابر نمود می‌یابد. هدف از این پژوهش، دستیابی به پاسخ بهترین حالت ممکن برای ترکیب دادرسان دادگاه بازرگانی برای نظام حقوقی ایران می‌باشد. با توجه به اینکه تا کنون، اثری که به صورت مستقل، به‌ویژگی‌های دادرسان دعاوی بازرگانی پرداخته باشد، ملاحظه نگردید، برای یافتن پاسخ برآن شدیم تا حالت‌های مختلف امکان‌پذیر و ارزنده درخصوص ترکیب دادرسان دعاوی بازرگانی را درضمن مقایسه با ترکیب تقریباً منحصر به‌فرد هیئت دادرسان دادگاه‌های بازرگانی در کشور فرانسه پی‌بگیریم. توضیح آنکه، درفرانسه، دادرسی دعاوی بازرگانی توسط بازرگانان و فعالان اقتصادی یا به‌بیان دیگر «قضات غیر حرفه‌ای»، و به‌صورت «گروهی» انجام می‌شود؛ نکته دیگر اینکه به‌رغم مواردی که به‌آنها اشاره شد، این دادگاه‌ها به‌عنوان دادگاه تخصصی، بخشی از نظام رسمی قضایی حقوقی آن کشور را تشکیل می‌دهند. بر این بنیاد، در بخش‌های اول و دوم، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان قضاوت دادرسان غیر حرفه‌ای و همچنین قضات عمومی و تخصصی را ترسیم کرده‌ایم. در بخش بعدی، بر ترکیب دادرسان از جنبه تعدد یا انفرادی بودن آنها با درنگی بر آثار آن نسبت به‌اصول استقلال و بی‌طرفی دادرسان متمرکز شده‌ایم. بجاست با تذیر دادن به‌اینکه در حقیقت، اگر نخواهیم بین نوع دادگاه و درجه آن تمایز قائل شویم، بحث چندان معتبری در نمی‌گیرد، روشن شود که قلمرو بحث مرحله نخستین است و مرحله پژوهش خواهی و یا رسیدگی فرجامی بیرون از گستره این نوشتار قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، موضوع، بر مدار دعاوی بازرگانی و نه دعاوی حقوقی یا خانوادگی و ... می‌چرخد.

۱- قضاوت حرفه‌ای^۱ یا دادرسان غیرحرفه‌ای^۲ (اتفاقی)

با توجه به تجربه دادگاه‌های بازرگانی فرانسه، از موضوعاتی که در بررسی ترکیب دادگاه‌های تجاری مطرح می‌شود این است که «آیا آنها ضرورتاً باید متشکل از قضاوت حرفه‌ای باشند یا می‌توانند از قضاوت غیرحرفه‌ای یا اتفاقی (اشخاصی که حرفه آنان دادرسی نیست) نیز تشکیل شوند» (صدرزاده افشار، ۱۳۷۶: ۵-۶)؟ نظرات در این خصوص طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که طی دو عنوان زیر به‌مهمترین موارد اشاره می‌شود.

۱-۱ موافقان قضاوت دادرسان غیرحرفه‌ای

ایشان بر این عقیده‌اند که تجار عموماً ترجیح می‌دهند توسط افرادی از میان خودشان قضاوت شوند. زیرا دسترسی به آنها آسان‌تر است و از دانش عمیق‌تر و تخصصی‌تر در زمینه عرف دادوستد، زبان تجارت و درک مفاهیم بازار و قراردادهای نسبت به قضاوت حرفه‌ای برخوردارند (Raviart, 1932: 7). بدین ترتیب آرای قضاوت غیرحرفه‌ای با درصد بیشتری مورد پذیرش قرار می‌گیرد (Dreyfuss, 1995: 38). تاجایی که گفته‌اند «حکمت وجود محاکم تجارت همان است که اشخاصی باید در بین تجار قضاوت کنند که از خصوصیات معاملات بازرگانی کاملاً آگاه باشند و دارای روح و قریحه بازرگانی بوده باشند» (متین دفتری، ۱۳۹۷: ۶۰). علت اصلی آن هم این می‌تواند باشد که «یکی از منابع مهم حقوق بازرگانی عرف‌های بازرگانی است و یک نفر قاضی با سابقه معمولاً بیش از یک نفر قاضی حرفه‌ای به آنها احاطه دارد؛ از این رو، می‌تواند به نحوی عادلانه اختلافات بازرگانی را فیصله دهد» (صدرزاده افشار، ۱۳۷۶: ۲۰). از انتقاداتی که بر حضور قضاوت حرفه‌ای در دادگاه‌های تجاری وارد شده این را هم می‌توان ذکر کرد که «تخصصی بودن بسیاری از موضوعات تجاری و اقتصادی در حوزه خرد و کلان و گاهی اشراف کافی نداشتن قاضی بر موضوع اختلاف موجب می‌شود صرفاً جنبه حقوقی و قضایی موضوع مورد حکم قرار گیرد» (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۹-۱۸۰).

1. Le Juges de Carrière / Professional Judge.

2. Le Juge Non Professionnel / Le Juge-Consulaire / Lay Judge.

دلیل دیگر این است که، شاید قضاوت حرفه‌ای بتوانند متون حقوقی را به خوبی تفسیر کنند، اما برای فهم اسنادی تجاری مبهم و پر از اصطلاحات تخصصی، شیوه‌ای متفاوت از تفسیر صرفاً دستوری لازم است (Hansard, 1858: 1144). اهمیت این موضوع زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که دانسته شود که علت اصلی تأسیس دادگاه شرکت‌ها و تجارت هلند در سال ۱۹۷۱ لزوم رسیدگی به دعاوی مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها و فرایند تحقیق، از طریق قضاوت تخصصی اعلام شد (Kroeze, 2006: 12).

هدف از به‌کارگیری افراد غیرحقوقی از جامعه تجاری، انجام تمهیدات برای تأمین تخصص تجاری و تجربه کارآفرینی در فرآیند تصمیم‌گیری است (Wagner & Arntz, 2020: 9). مدافعان این دیدگاه، به‌اشکالات وارده چنین پاسخ داده‌اند که «ایراد نداشتن تخصص حقوقی مقام رسیدگی‌کننده به دعاوی تجاری، از طریق پیش‌بینی یک قاضی دادگستری در ترکیب دادگاه تجاری برطرف شدنی است» (افتخارچهرمی و خراسانی، ۱۳۹۶: ۵۲).

گفتنی است که در فرانسه، هیچ‌کدام از دادرسان دادگاه بازرگانی فرانسه قاضی حرفه‌ای نیستند، بلکه ترکیبی از تجار کارآموده بازنشسته، بازرگانان مشغول حرفه‌ای و اشخاصی مانند ایشان اعم از اشخاص فعال در زمینه بانکداری، بورس، بیمه و ... هستند (صدرزاده‌افشار، ۱۳۷۶: ۲۰؛ ADB, 2022: 4; Lemercier, 2006: 4; Hansard, 1858: 1161). 24 و همان‌طور که در ماده ال. ۱۶-۷۲۲ کد تجارت فرانسه^۱ آمده است، به‌صورت رایگان به‌انجام وظیفه می‌پردازند. در توصیف نقاط قوت سیستم رسیدگی به دعاوی تجاری فرانسه استدلال شده است که انتخاب قضاوت از میان تجار توسط همکاران خود، دلالت بر این دارد که این اشخاص فداکار از نیازهای خاص جامعه تجاری آگاه هستند و درک عمیقی از موانعی دارند که یک مدیر یا شرکت تجاری ممکن است با آن مواجه شود (SIFoCC, 2024, France; Marshall, 2013: 103). همچنین گفته‌اند که این قضاوت خود را کاملاً متعهد می‌دانند تا برای رفع مشکلات حوزه تخصصی خود اقدام کنند (Stolowy, 2017: Commercial Law Based on Practice Not Theory).

۱. به‌اختصار از ک.ت.ف. استفاده می‌شود.

در زیر این عنوان خوب است بیان گردد که در فرانسه، دادرسان دادگاه‌های بازرگانی توسط نمایندگان دنیای تجارت بار اول به مدت دو سال برگزیده می‌شوند. (ماده ال. ۷۲۲-۶ ک.ت.ف.). قضاتی که برای پنج دوره در یک دادگاه بازرگانی، انتخاب شده‌اند، از تصدی مجدد سمت قاضی در همان دادگاه ممنوع می‌باشند (ماده ۷۲۳-۷ ک.ت.ف.). به موجب ماده ال. ۷۲۲-۱۱ ک.ت.ف. نیز «رییس دادگاه بازرگانی از میان قضات آن که شش سال سابقه فعالیت در دادگاه بازرگانی دارند، با رعایت ماده ال. ۷۲۲-۱۳ انتخاب می‌شود. این شخص برای چهار سال با رأی مخفی قضات دادگاه بازرگانی در مجمع عمومی برگزیده می‌شود».

۲-۱ مخالفان قضاوت دادرسان غیرحرفه‌ای

مخالفان این‌گونه استدلال کرده‌اند که قضات غیرحرفه‌ای که در شغل دیگری به صورت تمام وقت فعالیت می‌کنند، زمان و تخصص کافی برای تمشیت اختلافات مالی پرخطر و پیچیده را به نحو کارآمد و سریع ندارند. ناگفته نماند که قضات غیرحرفه‌ای متناسب با خدماتشان حق الزحمه دریافت نمی‌کنند؛ از شخصی هم که حقوق دریافت نمی‌کند نمی‌توان به طور جدی انتظار داشت تلاش شایسته‌ای که برای دادگری نیاز است، انجام دهد (Wagner & Arntz, 2020: 18; Assemblée-Nationale, 1998: 12¹). این فکر که صرف مشارکت قضات غیرحرفه‌ای، سبب می‌شود دادگاه‌ها به طور خودکار، سریع، کارآمد و حرفه‌ای عمل کنند، و یا اینکه فصل دعاوی بازرگانی مدرن نیازمند دخالت قضات غیرحرفه‌ای است خوش‌باورانه و بی‌اساس است (Assemblée-Nationale: 1998: 6; Wagner & Arntz, 2020: 10).

مشروعیت دادگاه‌های بازرگانی با تأکید بر تخصص اعضای آن، براین واقعیت استوار بود که قضات تاجر می‌توانستند براساس انصاف و مصالح طرفین، به دلیل دانش خوب خود از محیط تجاری، دعوا را پایان دهند. اما امروزه، چهارچوب حقوق تجارت هرروز دقیق‌تر می‌شود و قاضی باید قانون را اجرا کند. مضافاً اینکه سهم عرف‌ها به‌میزان قابل توجهی

۱. در صفحه دوم گزارش آمده است: (C-1-b)

محدود شده، و فعالیت‌های تجاری به‌طور فزاینده‌ای توسط قوانین موضوعه تنظیم می‌شود. خواندن صورت‌های مالی هم عملی غیرممکن نیست. قضاات حرفه‌ای نیز آموزش می‌بینند و ادعا کردن اینکه قضاات حرفه‌ای قادر به خواندن صورت مالی نیستند نادرست است (Assemblée-Nationale, 1998: 15). مضافاً اینکه، در مورد اسناد تجاری که معنای خاص داشته باشد، نظر و دلایل کارشناسان اخذ می‌شود و قاضی می‌تواند با لحاظ آن مدارک در مورد معنای خاص سند تصمیم‌گیری کند (Hansard, 1858: 1149).

ساخت کارهای حل اختلاف که به‌جای مواضع قانونی بر روی علایق اقتصادی یا دیگر عوامل متمرکز شده‌اند، به‌وفور در بازار خصوصی در دسترس هستند و ابزارهای متنوعی از جایگزین‌های روش‌های حل‌وفصل دوستانه اختلافات^۱ را به‌افراد می‌دهند تا متخصصان فنی یا افرادی با سابقه از جوامع تجاری در مورد پرونده ایشان اقدام نمایند، عرضه می‌کنند. نقش درست دادگاه‌ها این نیست که با ارائه‌دهندگان ابزارهای حل غیررسمی اختلاف و متبخر در تجارت رقابت کنند، بلکه در ویژگی‌ای است که آنها نمی‌تواند ارائه دهند، یعنی تصمیم‌الزام‌آور قاضی حرفه‌ای که پس از طی تشریفات رسمی و عادلانه و براساس بررسی موشکافانه حقایق و اجرای دقیق قانون صادر می‌شود (Wagner & Arntz, 2020: 10-11).^۲

برخلاف مدل فرانسوی، از جمله ویژگی‌های ممتاز دادگاه‌های تجاری لندن و نیویورک این است که تنها قضاات حرفه‌ای در آنها شرکت دارند. این موضوع، با لحاظ داشتن اینکه نظام دادرسی مدنی انگلوساکسون نسبت به مشارکت قضاات غیر حرفه‌ای باز هست، قابل تأمل‌تر می‌شود و حاکی از این است که مفروض بنیان‌گذاران این دادگاه‌ها این بوده که اطراف رابطه بازرگانی خواهان اتخاذ تصمیم از سوی قضاات حرفه‌ای متخصص و کارآزموده هستند (ibid: 12).

1. ADR.

۲. درباره محدودیت‌های داوری در جایگزینی دادگاه‌های تجاری نک: (قاسمی‌حامد و غفوری‌اصل، ۱۳۹۵: ۵۰-۵۳).

از جمله معایب این روش، این است که رویکرد انتخاب قضات غیر حرفه‌ای، امکان استخدام قضات با دانش حقوقی لازم را فراهم نمی‌کند. به علاوه، قضات غیر حرفه‌ای انتخابی تمایل دارند که به جای قانون، بر اساس انصاف قضاوت کنند که غالباً مفهومی دلبخواه است. از دیگر نقایص شمرده شده وابستگی قاضی به انتخاب‌کنندگان است که از مقدمات نفوذ سیاست به دادگاه می‌باشد (Pouille, 1985: 324 in Kessler, 2010: 9-10).^۱ در صورت اعمال روش مختلط^۲ و ایفای نقش از سوی قضات غیر حرفه‌ای در ترکیب هیئت دادرسان، تأثیر واقعی آن‌ها کم است. در این موارد قضات غیر حرفه‌ای به‌گزارشی که توسط قاضی حرفه‌ای ارائه می‌شود، وابسته می‌شوند و تصمیم‌گیرنده اصلی در واقع این شخص است (اسکینی، ۱۳۸۶: ۲۰؛ Wagner & Arntz, 2020: 11).

طرفین ترجیح می‌دهند که دادگاه‌ها رویه عادلانه و مناسب برای تعیین حقایق پرونده اتخاذ کنند و انتظار دارند که قوانین را به‌درستی اجرا کنند. در تفسیر قرارداد و قانون، دادگاه‌ها، باید به اصول پذیرفته‌شده تفسیر قواعد حقوقی، توجه داشته باشند. تفسیر و تطبیق مستمر قرارداد و قانون قابل اعمال بر اساس نیازها و انتظارات جامعه تجاری، گاهی تفسیر متعصبانه و دلبخواهانه را ایجاد می‌کند؛ امری که به‌نظر می‌رسد مغایر با اصل حاکمیت قانون باشد (Jean, 2007: 190; Wagner & Arntz, 2020: 17-18). دادرسانی که توسط تاجران انتخاب می‌شوند، فقط برای قضاوت در امور تجاری و حرفه خود نیستند، بلکه در امور مربوط به حوزه‌های دیگر مانند حقوق قراردادها، ضمانت، وثیقه و ... هم صلاحیت پیدا می‌کنند و بنابراین مسئله مشروعیت آنها مطرح می‌شود (Assemblée-Nationale, 1998: 15). الگوی فرانسوی دادگاه‌های بازرگانی با ویژگی انتخاب قضات از میان بازرگانان، اگرچه در قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم مورد تقلید قرار گرفت، در بین کشورهای اروپایی، تنها در فرانسه باقی مانده است و سایر کشورهای دارای سیستم مشابه هم (مانند ایران)، یا آن را

1. André Pouille, *Le Pouvoir Judiciaire et Les Tribunaux* (1985)

Pouille, A. (1985). *Le pouvoir judiciaire et les tribunaux*. (No Title). به منابع اضافه شد.

2. *Le Système me Échevinage/Hybrid Institution*.

حذف کرده‌اند و یا دستخوش تحولات عمیقی قرار داده‌اند (Assemblée-Nationale, 1998: 17).

۳-۱ وضعیت دادرسان در دادگاه‌های بازرگانی فرانسه

وجود دادگاه‌های بازرگانی در فرانسه به این دلیل ضروری دانسته شده است که عرف و عادات تجارت ظرفت‌هایی دارد که قاضی حرفه‌ای به اندازه یک تاجر از آنها آگاه نیست (Vincent et al., 2003: 443). نظام حاکم بر این دادگاه‌ها، مورد اعتراض نیز قرار گرفته است. منتقدان بر این باورند که دادگاه‌های بازرگانی که وجودشان صرفاً به میراث تاریخی مربوط می‌شود، دیگر با نیازهای مدرن‌سازی عدالت اقتصادی همخوانی ندارند (Jean, 2007: 190). برای مرتفع کردن مشکل، در سال ۱۹۹۸ تلاش‌هایی برای تبدیل سیستم موجود به سیستم مختلط و اضافه کردن قضات حرفه‌ای به ترکیب دادگاه‌های بازرگانی، انجام شد که با مقاومت شدید و تهدید به استعفای دادرسان این دادگاه‌ها مواجه شد-Assemblée Nationale: 1998: 7 (7) (Jean, 2007: 189&191). طرح دیگری هم در سال ۲۰۰۰ ارائه شد، که در نهایت توسط وزیر دادگستری رد شد (Vincent et al., 2003: 443). بعد از جدی شدن اعتراضات به سیستم کنونی و ارائه پیشنهادات مبنی بر تغییر آن به نظام مختلط، برگزاری دوره آموزش حقوقی با هدف حصول اطمینان از تجهیز سیستم عدالت تجاری به دانش و مهارت‌های لازم به مدرسه ملی قضایی^۱ (Jean, 2007: 193; ADB, 2022: 25) و اگذار گردید. ماده ال. ۱۷-۷۲۲ ک.ت.ف. مصوب سال ۲۰۱۶ لازم دید که دادرسان دادگاه‌های بازرگانی دوره آموزشی مقدماتی و مستمر را سپری کنند. قضاتی هم که در گذراندن این دوره در مدت تعیین شده،^۲ موفق نباشند، مستعفی فرض می‌شوند.

1. L'École Nationale de La Magistrature.

۲. هم‌اکنون به موجب ماده دی ۲۹-۷۲۲ ک.ت.ف. مصوب سال ۲۰۱۸ این مدت ۲۰ ماه است و از اولین روز ماه بعد از انتخاب قاضی شروع می‌شود.

۱-۳-۱ دبیرخانه^۱ دادگاه بازرگانی

بر حسب ماده ال. ۷۲۱-۱ ک.ت.ف.: «دادگاه بازرگانی ... متشکل است از قضات منتخب و یک نفر مدیر دفتر». بدین ترتیب، اگرچه مدیران دفاتر دادگاه‌های بازرگانی سمت قضایی ندارند، اما یکی از اعضای دادگاه محسوب می‌شوند. با وجود این، هیچ‌گونه دخالتی در اعمال قضایی ندارند (Le Conseil National des Greffiers des Tribunaux de commerce, 2014: 8). «هردادگاه بازرگانی، دارای دبیرخانه است که در رأس آن یک نفر مدیر دفتر قرار دارد و از دارندگان مشاغل آزاد» (صدرزاده افشار، ۱۳۷۶: ۲۰) مانند سردفتران اسناد رسمی و مأموران اجرای حراج و ... (Le Conseil National des Greffiers des Tribunaux de commerce, 2014: 8) می‌باشند و هم‌زمان به حکم ماده ال. ۷۴۱-۱ ک.ت.ف. از «شئون مأمور عمومی و دولتی» برخوردار هستند.

بی‌فایده نخواهد بود که بیان گردد، از شرایط تصدی شغل مدیر دفتر دادگاه بازرگانی، داشتن مدرک کارشناسی ارشد حقوق، گذراندن یک‌سال کارآموزی در دبیرخانه یک دادگاه و همچنین قبولی در آزمون حرفه‌ای این شغل می‌باشد (Le Conseil National des Greffiers des Tribunaux de commerce, 2014: 9). با توجه به شرایط وصف‌شده و لحاظ این نکته که مدیر دفتر دادگاه بازرگانی به اعمال قضایی اعتبار می‌بخشد (Vincent et al., 2003: 924) شاید دیگر نتوان با قطعیت ادعا کرد که در ترکیب دادگاه‌های بازرگانی فرانسه، صرفاً بازرگانان عضو هستند.

بنا بر بند سوم ماده آر. ۷۲۲-۲ ک.ت.ف. «مدیر دفتر دادگاه رییس دادگاه بازرگانی را در نشست عمومی همراهی و صورت جلسه را تنظیم می‌کند. او صورت جلسه را در کنار رییس دادگاه امضا می‌کند و رونوشت آن را به رؤسای دادگاه پژوهش ارسال می‌کند». این امر زمینه نظارت دادگاه تجدیدنظر را فراهم می‌کند (Jean, 2007: 193). جالب توجه است که مدیران دفاتر دادگاه بازرگان وظایفی هم‌در زمینه امور ثبتی مربوط به اشخاص تجاری، پیشگیری از مشکلات تجاری، دادرسی گروهی و ... (Le Conseil National des Greffiers des Tribunaux de commerce, 2014: 9) دارند.

1. Greffe.

(29-30: 2014, des Tribunaux de commerce) دارند که صحبت از آنها از گنجایش موضوع این نوشته خارج است.

۲- کاستی‌ها و مزیت‌های قاضی عمومی و قاضی تخصصی و قاضی عمومی در دعاوی بازرگانی در ایران

۲-۱ کاستی‌ها و مزیت‌های قاضی عمومی

علی‌الاصول، قضات باید قادر به رسیدگی به پرونده‌ها در تمام حوزه‌ها باشند. دانش عمومی از حقوق و اصول بنیادین آن، عقل سلیم و آشنایی با وظایف قضایی، ایشان را برای اعمال قوانین در تمام حوزه‌ها از جمله حوزه‌های تخصصی، توانمند می‌سازد (ADB, 2022: 101). هم‌زمان با نیروگرفتن جنبش تخصصی شدن، جامعه ممکن است بخشی از دیدگاه وسیع و بینش قضات عمومی را از دست بدهد. (Block et al., 1997: 948) افزون بر آن، نگرانی دیگر، از دست رفتن انعطاف در اداره قضات است. استقامت در برابر اندیشه‌های نو، گسترش دایره واژگانی خاص، الگوهای فکری منحصر به فرد و سیاست‌های داخلی متفاوت و گاه متناقض با سیاست‌های حاکم بر قوانین عمومی از دیگر عارضه‌های جانبی تخصصی شدن می‌باشد (Block et al., 1997: 953; Kroeze, 2006: 17).

به‌موارد اشاره شده می‌توان اضافه کرد که، برخی قضات، در کل، اندیشه تخصصی‌گرایی را منصرف از اینکه موضوع آن چه باشد، دوست ندارند. مطلوب ایشان، فارغ از تجربیات یا تخصص‌های گذشته خود، به‌قضاوت نشستن در پرونده‌هایی است که طیف وسیعی از مسائل حقوقی را در بر می‌گیرد (Block et al., 1997: 953-954). کار کردن در محدوده کوچک احتمالاً ملال‌آور خواهد بود و وسعت دید ایشان را کم می‌کند (Stempel, 1995: 114).

مورد دیگر، این است که قضات دادگاه‌های تخصصی تحت فشار بیشتری برای تحت تأثیر قرار گرفتن توسط گروه‌های ذی‌نفع خاص نسبت به قضات دادگاه‌های عمومی قرار دارند. از جمله دلایل آن تعداد بیشتر دادگاه‌های عمومی است. برای گروه‌های ذی‌نفع خاص،

اگر تعداد کمی پرونده در هر یک از دادگاه عمومی وجود داشته باشد، از حیث اقتصادی ارزنده نیست که اعمال نفوذ کنند (Dreyfuss, 1195 : 32; Kroeze, 2006 : 5).

اگرچه هرگز نمی‌توان جایگاه قضات عمومی را تخفیف داد (ADB, 2022; 101)، برخی ایراد می‌کنند که قضات عمومی گاه‌به‌گاه با موضوعات تخصصی برخورد می‌کنند و به همین علت انگیزه، تجربه و زمان کافی برای توسعه دانش حقوقی خود در موضوع خاصی را پیدا نمی‌کنند. در نتیجه، ایشان پرونده‌های موردی را بر اساس درک ابتدایی و گذری از اصول کلی حقوقی خاتمه می‌دهند و بازخورد محدودی هم از میزان موفقیت رسیدگی خود دریافت می‌کنند (Dreyfuss, 1990 : 377). قضات در دادگاه‌های عمومی می‌بایست دامنه متنوعی از موضوعات را که یکی از آنها پرونده‌های پیچیده حقوقی تجاری است، بررسی کنند. اثرات زیان‌بار رسیدگی عمومی بر بهره‌وری نیز به اثبات رسیده است (Teixeira et al., 2019 : 609). بازدهی متناسب به تخصصی شدن این است که کار بیش از چهار قاضی عمومی توسط سه قاضی متخصص حقوق تجارت، با منابع یکسان انجام خواهد شد (Block et al., 1997 : 952). موارد گفته شده مختوم به این می‌شود که در بعضی موارد، انگیزه قانون‌گذار از تأسیس مرجع اختصاصی این باشد که «برای رسیدگی به دسته‌ای از دعاوی، مرجعی را با «قضات» متخصص در آن امر ایجاد نماید». چرا که ماهیت امور مربوط ایجاب می‌کند که رسیدگی به آنها «در مرجعی انجام شود که «قاضی» آن علاوه بر قانون، به سایر جوانب و اوضاع و احوال و همچنین آثار رأی صادره بر نظام اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی کشور توجه نماید؛ نکاتی که از نظر قانون‌گذار، برداشت خشک قاضی عمومی آن را بر نمی‌تابد» (شمس، ۱/۱۴۰۱ : ۳۶۷).

برخی نیز با توجه به اینکه پیش‌تر دادگاه‌های تخصصی خانواده، اطفال و کیفری و .. ایجاد شده‌اند و بهبود کیفیت و کارایی قوه قضاییه که هدف از بنانهادن آنها بوده است، به عنوان نتیجه حاصل شده است، در خصوص دادگاه‌های تجاری ملزوم دیگری جز قاضی تخصصی را لازم ندانسته‌اند (Block et al., 1997 : 953). بسیاری از دلایلی که برای تمرکز تخصصی قضات و دادرسان تجاری وجود دارد مشابه استدلال‌هایی است که به نفع دادگاه‌های

تجاری انجام شده است (Block et al., 1997: 951) که در زیر به طور خلاصه به آنها پرداخته می‌شود:

۲-۱-۱ تخصص

قاضی تخصصی حرفه‌ای قوانین و ساختار منازعات تجاری را بهتر می‌شناسند و مسائل ماهوی اساسی را سریع‌تر دریافت می‌کنند. با لحاظ این امتیازها، ایشان در اجرای باظرافت قوانین با توجه به حافظه سازمانی دادگاه‌ها،^۱ جایگاه بالاتری نسبت به قضات عمومی دارند (Block et al., 1997: 952). ماهیت پرونده‌های تجاری رویکرد خاصی در آیین دادرسی متناسب با مقتضیات عمل تجاری مانند عدم لزوم ترجمه اسناد تجاری و ادله قابل استناد،^۲ افشای اسناد و محرمانگی، قواعد تعارض منافع، مدیریت دادرسی، فناوری اطلاعات و استماع گواهی گواهان و برگزاری دادرسی به صورت مجازی طلب می‌کند (ADB, 2022: 15)؛ (Wagner & Arntz, 2020: 14; Kroeze, 2006: 102). پرونده‌های تجاری، چندبعدی هستند و اجزایی ماند اسرار صنعتی، اسناد محرمانه، رویه‌های تجاری خاص و حتی اصطلاحات و دایره لغات صنعتی را در برمی‌گیرند (ADB, 2022: 102). در ایران نیز، حقوق تجارت امروزه از قالب‌های رایج قانون مدنی که برگرفته از فقه می‌باشد، فاصله گرفته است (اسکینی، ۱۳۸۶: ۴۴).

اگرچه انتقاد شده کیفیت که دادگاه تخصصی تجاری با استفاده از منابع قضایی ارائه می‌دهد، به‌بهای نادیده گرفتن سایر پرونده‌ها تمام می‌شود (Block et al., 1997: 953) اما، مزایایی که از آن حاصل می‌شود، بدون معایب ناشی از چند برابر شدن تعداد دادگاه‌ها و ادارات دادگستری به دست می‌آید (Gibbons, 1995: 51). با توجه به اینکه بسیاری از مسائل حقوقی به عرف تجارت وابسته‌اند رسیدگی به پرونده‌های تجاری در یک دادگاه تخصصی مجزا، نیاز به حضور مکرر کارشناسان را نیز برطرف می‌کند (Dreyfuss, 1995: 32).

1. Court's Institutional Memory.

۲. برای مثال درفرانسه دعاوی بازرگانی با هردلیلی قابل اثبات است، حال آنکه در دعاوی مدنی دلیل کتبی مورد پذیرش قرار می‌گیرد (اسکینی، ۱۳۸۶: ۴۹).

۲-۱-۲ سرعت و انعطاف‌پذیری

تأخیر در رسیدگی، هزینه دادرسی را به شدت افزایش می‌دهد (Hansard, 1858: 1144). برای مخاطبین سیستم قضایی، زمان‌بندی و اینکه آیا دادگاه می‌تواند پرونده‌های گشوده شده را در چهارچوب زمانی مورد نیاز اصحاب دعوا، تصمیم‌گیری کند، از اصول مطرح است. با وجود این، گاهی، این توانایی برای حل و فصل سریع پرونده‌ها با قیمتی حاصل می‌شود که ممکن است جامعه مایل به پرداخت آن نباشد. برای مثال افزودن به تعداد قضا، قطع نظر از ایجاد بار مالی برای مالیات‌دهندگان و شهروندان، تشتت آرا را در پی خواهد داشت و تصمیمات متناقض، باعث ثبت شکایت‌های بیشتر خواهد شد (Dreyfuss, 1995: 15-16).

رسیدگی به امور تخصصی توسط قضات تخصصی از طریق کاهش زمان صدور رأی، بهینه‌تر است و پرونده‌هایی که در آن، اثربخشی رأی مقید به زمان است؛ به طور ویژه منتفع خواهند شد (Dreyfuss, 1990: 378). دادگاه‌های تخصصی از این جهت که رویکرد غیررسمی‌تر نسبت به مسائل شکلی یا قواعد آیین دادرسی اتخاذ می‌کنند، برای تطبیق تشریفات رسیدگی یک پرونده با جنبه‌های فردی آن مناسب‌تر هستند (Kroeze, 2006: 3).

۳-۲-۳ تناوب رسیدگی و انسجام

قضات این مراجع، هرروزه و به تکرار پرونده‌های خاصی را می‌بینند. این موضوع فرصت و انگیزه انجام تحقیقات و ژرف‌اندیشی برای حل دقیق موضوعات را برای ایشان فراهم می‌کند (Dreyfuss, 1995: 16) و باعث می‌شود با باریک‌اندیشی و احاطه بیشتری، اعمال و وظایف خود را مفیدتر از کسانی که از این تخصص بی‌بهره هستند به سرانجام برسانند (Block et al., 1997: 951&948). قاضی بهره‌مند از دانش تخصصی، احتیاج کمتری به مطالعه جدید در زمینه تخصصی خود نسبت به قاضی عمومی خواهد داشت. بماند که بسیاری از تصمیمات ناگزیر در لحظه و فوری گرفته می‌شوند و زمان زیادی برای تحقیق، مشورت کردن و تعمق وجود ندارد (Stempel, 1995: 113).

سپردن دعاوی تجاری به قضات عمومی مانع تشکیل رویه قضایی، در دعاوی تجاری و سبب خروج آن از شمار منابع حقوق تجارت خواهد شد (اسکینی، ۱۳۸۶: ۳۱). آرای قضات

تخصصی که متضمن استفاده دقیق‌تر از اصول حقوقی حاکم هست، نه تنها با آرای دکتربین‌های حقوقی مرتبط سازگارتر و در نتیجه قابل پیش‌بینی‌پذیرتر هستند (Stempel, 1995:113)، می‌تواند اعتماد طرفین اختلاف را به‌فرایند تصمیم‌گیری افزایش و در پی آن نرخ تجدیدنظر را کاهش دهد و ثبات و قطعیت را برای تصمیمات دادگاه تخصصی به‌ارمغان آورد (ADB, 2022: 102).

۲-۲ قاضی عمومی در دعاوی بازرگانی در ایران

در ایران، به‌صورت کلی، کسانی که به‌دعای بازرگانی رسیدگی می‌کنند همان قضات دولتی هستند که به‌دعای مدنی نیز رسیدگی می‌کنند. ایشان تمایزی بین روش تفسیر و اجرای قوانین و مقررات تجاری نسبت به‌دعای دیگر قائل نمی‌شوند (اسکینی، ۱۳۸۶: ۳۰). برای جبران منقصت یادشده، ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تمام مراجع قضایی را مکلف نمود تا با توجه به‌نوع دعوی به‌تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند. در ادامه، آیین‌نامه «شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی»^۱ در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ به‌تصویب رییس قوه قضاییه رسید و علی‌الظاهر، هم‌اکنون مبنای عمل قوه قضاییه در ایجاد شعب تخصصی بانکی، بیمه و تجاری و ... و یا مجتمع‌های تخصصی ویژه دعاوی تجاری و یا ویژه رسیدگی به‌جرایم اقتصادی می‌باشد. بند ۱ قسمت ب ماده ۱ این آیین‌نامه معنون به «دعای حقوقی»، از «دعای تجاری و بازرگانی» جهت رسیدگی در شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی حقوقی نام برده است. ماده ۵ آ.ش.ت.ش.ت.م.ق. نسخه‌ای کلی پیچیده و این‌گونه مصلحت دانسته که «قضات شعب تخصصی باید علاوه بر توانایی و تجربه لازم در رسیدگی به‌موضوع، ترجیحاً دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکترای حقوق یا معادل حوزوی آن در رشته مربوط باشند و آموزش تخصصی لازم را سپری نموده باشند». افزون بر این، در صورتی که در خصوص موضوع مورد رسیدگی نیاز به‌اظهارنظر علمی یا فنی یا معلومات مخصوص باشد، ماده ۹ آیین‌نامه مزبور امکان دعوت از کارشناس یا خبره

۱. به‌اختصار از "آ.ش.ت.ش.ت.م.ق." استفاده می‌شود.

مربوط را برای «شعب تخصصی» یادآور گردیده است که، تکرار ابترشده مقررات آیین دادرسی موجود است؛ چه باتوجه به اینکه دعوت از کارشناس یا خبره فقط درخصوص شعب تخصصی تصریح شده است، این ابهام ایجاد می‌شود که آیا این ترتیبات، فقط برای شعب تخصصی می‌باشند و درباره مجتمع‌های تخصصی لازم‌الاجرا نیستند؟ ناگفته نماند که همان تصریحات و ضوابط حداقلی که در ل.آ.د.ت. و ل.ت. وجود دارد (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، در این آیین‌نامه وجود ندارد و بر چه کسی پوشیده است که عبارات گنگی مانند «توانایی و تجربه لازم»، «ترجیحاً»، «آموزش تخصصی لازم»، فقط اختیارات وسیعی را به تصمیم‌گیرندگان اعطا می‌کند که حدود و ثغور آن مشخص نیست.

فصل سوم کتاب سوم ل.ت. مصوب ۱۴۰۳/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی نیز «دادگاه تجارت» نام گرفته، و ماده ۴۸۲ آن این چنین نگارش یافته که «به منظور رسیدگی به دعاوی موضوع این فصل، قوه قضائیه موظف است ظرف مدت سه سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در کلیه حوزه‌های قضائی شهرستان‌های مرکز استان به تعداد کافی شعبه دادگاه تجارت تشکیل دهد...» به دنبال آن در ماده ۴۸۳ به ویژگی‌های دادرسان این نهاد پرداخته شده و اعلام نموده که قضات دادگاه تجارت از بین اشخاصی که «حداقل پنج سال سابقه قضاوت در محاکم حقوقی» دارند و «دوره‌های آموزش تخصصی مطابق آیین‌نامه مصوب رئیس قوه قضائیه» را گذرانده‌اند، انتخاب می‌شوند. ماده مزبور که با کمی تصرفات عبارتی، همان ماده ۱۱ ل.آ.د.ت. می‌باشد، دارای ایراداتی به شرح زیر است:

نخست آنکه، شرط اول مندرج در این ماده، برای رسیدن به اهداف تعیین شده کافی نیست و انطباق آن است که بر میزان سوابق اضافه شود. زیرا، با توجه به اینکه قاضی منفرد از آموزش ضمن خدمت در کنار دادرسان با تجربه‌تر بهره‌مند نیست و این کمبود اقتضا می‌کند در شیوه جذب و گزینش دادرس واحد دقت بیشتری شود (Vincent et al., 2003: 189).

افزون بر آن، گاهی داشتن تجربه، عدم تخصص قاضی را جبران می‌کند (Saudeau, 1994: 309) موضوع دوم درباره قید «محاکم حقوقی» است که این پرسش را پیش می‌کشد که آیا در مقابل آن محاکم جزایی قرار می‌گیرند یا اداری و یا منظور از آن محاکم حقوقی به معنای خاص است و هر دو نوع جزایی و اداری از آن بیرون است؟ ناگفته نماند که

تخصص در مباحث جرایم اقتصادی و مالی که گاهی در دعاوی تجاری هم به آن احتیاج می‌شود موضوعی نیست که بتوان به آسانی آن را کنار گذاشت. پرسش دیگر اینکه، آیا داشتن سابقه قضاوت در دادگاه خانواده که یکی از مصادیق دادگاه حقوقی می‌باشد برای قاضی دادگاه تجاری نسبت به شخصی که چنین سابقه‌ای ندارد، امتیاز بسیار ویژه‌ای به‌شمار می‌رود؟

سومین مورد در خصوص «دوره‌های آموزش تخصصی» است و آنچه در نگاه اول به ذهن تبادر می‌نماید، نپرداختن به جزئیات و وجود نداشتن برنامه مصوب درباره آن می‌باشد. این پاره، نسبت به ماده مشابه خود در ل.آ.د.ت از حیث تصریح به مرجع تصویب، ترمیم یافته است؛ اما همچنان ضمانت اجرای عدم رعایت آن، اشکال دارد و در عمل مسیر نادیده گرفتن آن را هموار می‌کند. اکتفا به «گذراندن» دوره آموزشی و پیش‌بینی نکردن آزمون برای سنجش دانش دوره‌دیدگان، اطمینان به دانش ایشان را سخت می‌کند.

در تبصره ماده ۴۸۳ ل.ت. هم آمده است که «حداقل سابقه مذکور در بند (۱) این ماده برای دارندگان مدرک دکتری رشته حقوق با گرایش حقوق خصوصی یا گرایش‌های مرتبط با صلاحیت دادگاه تجارت، دوسال و برای دارندگان مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق با گرایش‌های مزبور، سه سال است». موضوعی که پس از خواندن این تبصره نمی‌توان به سادگی از آن گذر کرد، نامتناسب بودن کاهش سابقه نسبت به مدرک‌های تحصیلی است. بدین نحو که برای دارندگان مدرک کارشناسی ارشد که طول دوره تحصیل آن ۲ سال در نظام آموزشی ما تعریف شده است، ۲ سال از سابقه کاهش می‌یابد، و برای دارندگان مدرک دکترا که شرایط دریافت آن بسیار دشوارتر از دریافت مدرک کارشناسی ارشد است و خود آن هم به‌طور معمول ۴ سال به‌طول می‌انجامد، فقط یک سال بیشتر از مدرک کارشناسی ارشد در نظر گرفته شده است. بماند که شایسته است که قانون‌گذار، تصمیم بگیرد که رویکردی هماهنگ را نسبت به این موضوع پیش بگیرد، چه آنکه برای مثال در تبصره ماده ۴ قانون دیوان عدالت اداری با داشتن مدرک دکترا، دیگر هفت سال سابقه کار قضایی نیاز نیست.

گفتنی است که آوردن عبارت «رشته‌های مرتبط» در تبصره این ماده به صورت مبهم نیز زینده قانون‌نگاری نیست؛ تعداد و تنوع گرایش‌های رشته حقوق آن چنان نیست که در شمار نیاید و احصای آنها چنان دشوار باشد که ایجاب نماید دایره شمول آن این چنین وسیع در نظر گرفته شود. به حق باید تصریح شود که علاوه بر اینکه، قانون تجارت ایران از قانون تجارت فرانسه اقتباس شده است و اینکه حقوق تجارت ما هم مانند حقوق تجارت هر کشور دیگری، تحت تأثیر حقوق تجارت بین‌الملل است (اسکینی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۶)، ماهیت تجارت و پیوند تنگاتنگ آن با ارتباطات بین‌المللی تسلط به زبان‌های پرکاربرد برای بررسی اسناد به زبان‌های دیگر و فناوری‌های به روز را طلب می‌کند. ارجاع این امور به کارشناس، منصرف از اینکه ترجمه اصطلاحات حقوقی و بازرگانی به ندرت بدون از دست دادن معنی یا تحریف‌های دیگر اتفاق می‌افتد، هزینه مالی زیادی را به مخاطبین این دادگاه تحمیل خواهد کرد و نادیده گرفتن آن، از دست دادن دقت در رسیدگی و تلف کردن زمان را در پی خواهد داشت که خود نقیض رسالت این محاکم است (Wagner & Arntz, 2020: 22).

خوب است بیان شود که در بند «الف» ماده (۳۵) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰ برای رسیدگی به اختلافات حقوقی «اشخاص تحت نظارت» با یکدیگر و با مشتریان آنها و سایر اشخاص ذی‌ربط که مرتبط با موضوع فعالیت مصرح در اساسنامه «اشخاص تحت نظارت» باشد، مقرر نموده است که در شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی مستقر در قوه قضاییه رسیدگی شود.

در این خصوص بی‌فایده به نظر نمی‌رسد که گفته شود با توجه به تعریف مندرج در بند «ر» ماده (۱) این قانون از «اشخاص تحت نظارت» که دلالت بر تاجر بودن جملگی ایشان دارد این ابهام ایجاد می‌شود که آیا مقصود از عبارت «دعاوی حقوقی» در آغاز این بند، دعاوی حقوقی به معنای عام یا عبارت دیگر، حقوقی به معنای خاص و بازرگانی می‌باشد و یا اینکه صرفاً بر دعاوی حقوقی به معنای خاص دلالت دارد و دعاوی بازرگانی این اشخاص همچنان تابع نظام و قواعد عام دادرسی تجاری در دادگاه‌های حقوقی باقی می‌ماند. اهمیت پاسخ به این پرسش با توجه به اینکه در بند «ب» این ماده ترتیبات خاصی برای کارشناسان تدارک

دیده شده است خود را نشان می دهد؛ به موجب این بند، امکان معرفی کارشناسان از سوی بانک مرکزی برای ارائه مشاوره به قضات این شعب دیده شده است. قابل توجه است که در همین بند قضات شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی را موظف دانسته اند که نه تنها فارغ از تشخیص ایشان نسبت به لزوم یا عدم لزوم ارجاع موضوع به کارشناس، «قبل از انشای رأی، نظر کارشناس یا کارشناسان معرفی شده به شعبه را استعلام کنند» بلکه در صورتی که رأی قضات «خلاف نظر کارشناس یا کارشناسان معرفی شده باشد، باید در متن رأی خود، دلایل رد نظر کارشناسی را تصریح نمایند». از این بند بر می آید که برای این کارشناسان، جایگاهی فراتر از کارشناسان مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی تعبیه شده، چه آنکه نه تنها مراجعه به آنها الزامی شده، بلکه، قضات در صورتی که نظری مخالف با نظر کارشناسان معرفی شده دارند بایستی با دلیل نظر کارشناسان را رد نمایند. گو اینکه شأنی برابر برای قاضی و کارشناس در نظر گرفته شده است.

در این زمینه، به ماده (۱۴۳) قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳/۳/۱ نیز می توان اشاره نمود. در این ماده می خوانیم: «رسیدگی به اختلافات و دعاوی ناشی از اجرای این قانون و آیین نامه اجرائی آن حسب مورد در صلاحیت شعب مجتمع قضائی ویژه مالکیت فکری مستقر در تهران است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، توسط رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد». جالب توجه است که در حالی که ماده قانونی متناظر در قانون بانک مرکزی نسبت به تخصص و دانش قضات و یا شرط تجربه قضات آن شعب ویژه، سکوت کرده، تبصره (۲) ماده (۱۴۳) قانون ذکر شده به صورت کلی از «دانش حقوقی مرتبط با مالکیت فکری» برای قضات این دادگاه ها صحبت کرده است. موضوعی که در هر دو ماده مرقوم به فراموشی سپرده شده، تعیین ضوابط و ارائه معیارهای جزئی تر از موضوع و یا دست کم ارجاع تعیین آنها به آیین نامه می باشد.

۳. وحدت و تعدد^۱ دادرسی در دعاوی بازرگانی

منتسکیو ابراز داشته است که «قاضی منفرد فقط در دولت‌های استبدادی ممکن است وجود داشته باشد» (منتسکیو، مهتدی، ۱۳۶۲: ۱۹۵-۱۹۶). درفرانسه، پس از شنیدن اصطلاح قاضی واحد، بلادرنگ، ضرب‌المثل "Juge unique ... Juge inique" در ذهن تداعی می‌شود که می‌توان این‌گونه به فارسی برگرداند: «قاضی واحد، قاضی ظالم» (Saudeau). (1994: 290), قاضی منفرد به‌عنوان «قاضی‌ای که به‌تنهایی یک مرجع قضایی را تشکیل می‌دهد و به‌تنهایی (نه به‌صورت هیئت قضایی)، در ماهیت دعوا به‌عنوان قاضی رسیدگی‌کننده به‌اصل دعوا تصمیم‌گیری می‌کند» تعریف شده است (Cornu, 2018: juge unique). در ستایش یا نکوهش هر یک از ترکیب‌های تعدد یا وحدت قاضی چنان می‌توان قلم را گریاند که داستان به‌سر نیاید. آن چیزی که در هر حال نباید از یاد برد این است که درعمل نیز تحقق عدالت به‌سختی با قضاوت منحصر به‌یک فرد، که در آن اشخاص جوان (بین ۲۷ تا ۳۰ سالگی) وارد قوه قضائیه می‌شوند، سازگار می‌شود. قضاوت گروهی، به‌قضات تازه‌کار اجازه می‌دهد تا در سال‌های آغازین فعالیت خود تحت تعلیم قرار گیرند و از مهارت قضات باتجربه بهره‌مند شوند (Perrot, 1977: 662). از این منظر، مشابهت‌جویی با سامانه قاضی واحد به‌گونه‌ای که در کشورهای آنگلو ساکسون اعمال می‌شود، گمراه‌کننده است؛ چراکه اگر حقوق‌دانان نظام کامن‌لا به‌آسانی، نظام قاضی واحد را می‌پذیرند به‌این دلیل است که در این کشورها که قاضی از بین وکلای خوش‌نام و به‌پشتوانه‌درازی از تجربه عملی در مسائل قضایی برگزیده می‌شوند (Perrot, 1977: 662).

تصمیمی که به‌طور مشترک اتخاذ می‌شود، درکنار اینکه سنجیده‌تر و وزین‌تر خواهد بود، همچنین ضمانتی برای استقلال دادگاه خواهد بود، زیرا هر قاضی از زیر سوال رفتن شخصی به‌دلیل تصمیمی که مورد پسند نیست، هراسی ندارد (Vincent et al., 2003: 188). درنهایت، تضمینی برای عدالتی بی‌طرفانه‌تر هم خواهد بود، زیرا قضات تحت نظارت یکدیگر کار می‌کنند (Vincent et al., 2003: 189).

1. Collé gialite .

۳-۱ وحدت قاضی در دعاوی بازرگانی ایران

در ایران، از مزایای مهم قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۰ در دادرسی‌های حقوقی، ماده ۳ آن بود «که نظام تعدد قاضی در رسیدگی را مقرر کرده بود. ولی متأسفانه به موجب قانون اصلاح مواردی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ ه.ش. این نظام نسخ شد و نظام وحدت قاضی جایگزین آن شد» (قربان‌پور، ۱۳۸۲: ۱۳۵). هم‌اکنون نیز بر پایه بند الف ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی نظام تک‌قاضی در دادگاه‌های عمومی حقوقی و از جمله بر محاکم رسیدگی کننده به دعاوی بازرگانی استوار است و تمام اقدامات و تحقیقات و اتخاذ تصمیم قضایی و انشای رأی با یک نفر قاضی دادگاه است. در ل.ت. نیز تغییری در موضع قانون‌گذار در این خصوص دیده نشد. شایان ذکر است ماده ۲ ل.آ.د.ت. که علاوه بر قاضی به وجود «حداقل یک مشاور» برای تشکیل دادگاه تجاری دلالت داشت، را می‌توانست به نوعی حرکت به سمت دادرسی گروهی در دعاوی بازرگانی دانست؛ چه آنکه، مشاوران می‌توانستند علاوه بر دخالت در امور موضوعی، در امور حکمی نیز نقش داشته باشند (کاویانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۴۹).

۳-۲ تعدد دادرس در دادگاه‌های بازرگانی فرانسه

بنابر ماده ال.۷۲۲-۱ ک.ت.ف. «آرای دادگاه‌های بازرگانی در هیئت قضات صادر می‌شود مگر اینکه قانون قاضی واحد را تجویز کرده باشد» و قضات باید به تعداد فرد تشکیل جلسه دهند و رای‌گیری کنند (Vincent et al., 2003:447). به بیان دیگر وجود دست کم سه نفر الزامی است (صدرزاده‌افشار، ۱۳۷۶: ۲۱). همچنین گفته شده است که فرض اعطای قدرت تمیز حق به یک دادرس در دادگاه بازرگانی این کشور در حالی که ویژگی قاضی غیرحرفه‌ای را حفظ می‌کند، مردود است. زیرا، مشکل این خواهد بود که قاضی غیرحرفه‌ای، مهارت‌های حقوقی لازم را ندارد و در غیاب ویژگی یادشده، هیئت دادرسان به کمک تبادل نظرهایی که انجام می‌دهند، به تصمیم منطقی می‌رسند (Chaput, 2019: 90).

۳-۲-۱ دادرس واحد در دادگاه بازرگانی فرانسه

موضوعی که نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که در دادگاه‌های بازگانی فرانسه هم این‌گونه نیست که تمامی امور توسط هیئت دادرسان و به‌صورت گروهی انجام پذیرد؛ محدودیت‌های نظام تعدد دادرس، و لزوم اتخاذ تصمیمات فوری سبب شده است در مواردی برای سرعت بخشیدن به دادرسی و افزایش دقت در کشف واقعیت، بعضی امور توسط یک دادرس سامان یابد. یکی از آنها، تفکیک مرحله تحقیق و آماده‌سازی از مرحله رسیدگی است؛ چرا که «سازماندهی مراحل رسیدگی به‌مثابه نخستین اقدام دادگاه قبل از ورود به ماهیت، در سرعت مطلوب دادرسی مؤثر است» (غمامی، ۱۴۰۱: ۱۵۶).^۱ امکان اعطای ابتکار تحقیق در سمت دادرس مسئول تحقیق پرونده^۲ به یکی از اعضای هیئت دادرسان دادگاه بازگانی در ماده ۸۶۱ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه^۳ در نظر گرفته شده است. افزون بر آن، مواردی وجود دارد که توسط رییس دادگاه بازگانی به‌عنوان عضو باتجربه و به‌عنوان دادرس واحد انجام می‌پذیرد که در ادامه به آنها می‌پردازیم: طبق ماده ۸۷۲ ک.آ.د.م.ف. رئیس دادگاه بازگانی، در تمامی موارد فوری می‌تواند، در حدود صلاحیت دادگاه، هرگونه ترتیبی که با هیچ‌گونه مناقشه جدی یا یک اختلاف موجود مواجه نباشد، صادر کند. بر اساس ماده ۸۷۳ ک.آ.د.م.ف.، رئیس دادگاه می‌تواند در مورد اقدامات تأمینی^۴ یا بازگرداندن به‌حالت اولیه^۵ (حتی در صورت وجود مناقشه جدی) رأی دهد. و به‌طور سنتی نیز، رئیس دادگاه بازگانی، در مواردی که توسط قانون مشخص شده است (به‌عنوان مثال، ماده ال. ۱۳۳-۴ ک.ت.ف.) قرار یک‌جانبه (بدون ابلاغ قبلی)^۶ صادر می‌کند؛ گفتنی است که رویه قضایی نیز این اختیارات را گسترش داده است. مواد ۸۷۴ و

۱. برای آشنایی بیشتر با مفهوم قاضی تحقیق، نک: صدرزاده افشار، محسن، قاضی تحقیق و نقش او در دادرسی مدنی در حقوق فرانسه، ۱۳۵۸، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

2. Le Juge Chargé d'instruire L'affaire.

مقررات مربوطه به این موضوع به تفصیل در مواد ۸۶۱-۳ تا ۸۷۱ ک.آ.د.م.ف. آمده است.

۳. به اختصار از ک.آ.د.م.ف. استفاده می‌شود.

4. Conservatoires.

5. Remise en État.

6. Des Ordonnances Sur Requete.

۸۷۵ ک.آ.د.م.ف. مقرر می‌دارد که امکان مراجعه به رئیس دادگاه وجود دارد، چه در فروضی که در قانون معین شده است (ماده ۸۷۴) و چه در چهارچوب صلاحیت دادگاه، در همه مواردی که فوریت وجود دارد و ضروری است که طرف مقابل از آن مطلع نشود (ماده ۸۷۵) (Vincent et al., 2003: 452-454؛ محسنی، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۰۲).^۱

۳-۳ تعدد دادرس، عامل بی‌طرفی در عملکرد قضایی

دادگاه تجارت، تنها در صورتی قابل تأیید است که قضات این مراجع از استقلال و بی‌طرفی برخوردار باشند (شمس، ۱۴۰۱/۱: ۶۹). در میان اصول مهم دادرسی، «هیچ موردی را نمی‌توان یافت که اصل بی‌طرفی دادرس حتی به‌طور پسینی نقض شده باشد» (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۱۱). از جمله انتقاداتی که به نظام قضاوت منحصر به یک فرد وارد می‌شود، وجود نقص‌های ذاتی آن در زمینه روان‌شناختی و نبودن امکان تصحیح پیش‌داوری‌های ناخودآگاه است؛ از این قرار که، حتی بهترین دادرسان به‌خاطر انسان بودن، تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند عادات، تربیت و نگرش‌های ذهنی خود قرار می‌گیرند و بدون وجود مانعی، قضاوت و تفسیر قوانین را توسط ایشان جهت می‌دهد (Perrot, 1977: 662).

در پاسخ به بدگمانی که به قاضی واحد وجود دارد، لازم است گفته شود که علاوه بر مواردی که در قوانین مختلفی از جمله کد سازمان قضایی، کد مدنی، کد آیین دادرسی مدنی و ... آمده، وظایف و تعهدات دادرسان در مجموعه تعهدات اخلاقی قضات^۲ تعیین شده است. به‌صورت اختصاصی نیز در مواد ال. ۷۲۲-۱۸ تا ال. ۷۲۲-۲۱ ک.ت.ف. «موارد اخلاقی»^۳ آمده است. در ماده ال. ۷۲۲-۱۸ کد یادشده، این‌گونه تحریر شده که: «دادرسان دادگاه‌های بازرگانی باید وظایف خود را در نهایت استقلال، شایستگی، بی‌طرفی، در کمال درستکاری و شرافت انجام دهند و رفتار آنها باید به‌گونه‌ای باشد که هرگونه شبهه موجه در خصوص این موارد را از بین ببرد...» در ادامه این ماده به‌صورت

۱. برای مطالعه بیشتر نک:

(Saudeau, R., Le juge unique en matière commerciale. Introduction : 1994; Mallet, B. Le Juge unique en matière commerciale-III. Le Juge des référés, 1994)

2. Recueil des Obligations Déontologiques Des Magistrats.

3. Déontologiques.

وسیع اعلان شده است که: «... همچنین هرگونه تظاهرات سیاسی که با حفظ حرمت ناشی از وظایف آنها مغایر باشد، ممنوع است. ...».

ماده ال. ۱۹-۷۲۲ ک.ت.ف. نیز مقرر نموده است که: «صرف نظر از قواعد مقرر در قانون مجازات و قوانین خاص، دادرسان دادگاه‌های بازرگانی در برابر هر نوع از تهدیدها و تجاوزات، که ممکن است در حین یا به مناسبت انجام وظایف خود مورد آن قرار گیرند، تحت حمایت قرار می‌گیرند. دولت موظف به جبران خسارت مستقیم ناشی از آن است ...». هرچند با تفسیر سخاوتمندانه بخش اخیر بند ب ماده ۲ دستورالعمل حفظ شأن و منزلت کارکنان قوه قضائیه ۱۴۰۰/۱/۲۵ رئیس قوه قضائیه که «خودداری از اعمال فشار یا القای نظر با هر انگیزه‌ای اعم از سیاسی و غیر آن به قاضی در اتخاذ تصمیم قضایی» را مدنظر قرار داده است؛ بتوان ادعا کرد که مقررهای در جهت لزوم حمایت از دادرسان دعاوی تجاری نیز دیده شده است، ولی نقص ضمانت اجرا، به‌غایت احساس می‌شود و بجاست که این کمبود در قانون جامعی که در این زمینه به‌نگارش در خواهد آمد برطرف شود.

ماده ۷۲۲-۲۰ کد مزبور نیز تأکید نموده است که: «دادرسان دادگاه‌های بازرگانی موظفند از بروز یا تداوم هرگونه وضعیت تعارض منافع پیشگیری کرده و یا بلافاصله آن را متوقف کنند» و آن را هرگونه وضعیتی انگاشته که بتواند بر استقلال، بی‌طرفی و عینی بودن عملکرد یک مقام قضایی تأثیر بگذارد یا چنین تأثیری را القا کند. در آخر و خواندنی‌تر از همه، در ماده ۲۱-۷۲۲ ک.ت.ف. تکلیف شده است که: «حداکثر دو ماه پس از شروع به‌کار، دادرسان دادگاه‌های بازرگانی باید اظهارنامه‌ای جامع، دقیق و صادقانه از منافع خود را به شرح زیر ارائه دهند:

اظهارنامه منافع شامل روابط و منافع در اختیار است که از نوعی باشد که بتواند بر استقلال، بی‌طرفی و عینی بودن وظایف اعلام‌کننده در طول پنج سال قبل از شروع به‌کار او یا وظایفی که در حال حاضر دارد، تأثیر بگذارد یا چنین تأثیری را القا کند.

ارائه اظهارنامه منافع به یک مصاحبه اخلاقی دادرسان دادگاه بازرگانی با مقام دریافت‌کننده اظهارنامه منجر می‌شود که هدف آن پیشگیری از هرگونه تعارض منافع احتمالی است. مصاحبه می‌تواند در هر زمان به درخواست قاضی یا مقام مربوطه تمدید شود. ...

هرگونه تغییر اساسی در روابط و منافع در اختیار دادرس، در عرض دو ماه از طریق یک اظهارنامه تکمیلی به همان شکل و با همان شرایط اعلام می‌شود و می‌تواند به مصاحبه اخلاقی منجر شود...

عدم ارائه اظهارنامه یا عدم اعلام بخش قابل توجهی از منافع... با سه سال حبس و ۴۵۰۰۰ یورو جریمه نقدی مجازات می‌شود. علاوه بر این، ممکن است ممنوعیت حقوق مدنی طبق شرایط پیش‌بینی شده در قانون مجازات و همچنین ممنوعیت تصدی هرگونه منصب دولتی طبق شرایط پیش‌بینی شده در همان قانون اعمال شود». از نکات چشم‌گیر این ماده، علاوه بر برگزاری مصاحبه اخلاقی، الزام به روزآوری اظهارنامه منافع و در نظر گرفتن بازه زمانی دوماهه پس از ایجاد شرایط جدید برای اعلام آن، در نظر گرفتن جرایم کیفری سختگیرانه برای حفاظت از اصل بی‌طرفی قاضی است؛ مواردی که چنانچه در پیوند با یکدیگر نگریسته شوند، نشانگر اهمیت موضوع است و در عین حال، الگوی مناسبی برای قانون‌نگاری در این زمینه خواهد بود. اهمیت موضوع زمانی بیشتر می‌شود که به یاد بیاوریم دادرس دادگاه بازرگانی، رایگان انجام فعالیت می‌کند.

۴-۳ ارتباط تعدد دادرس و استقلال دادرسان

«جامعه‌ای که در آن ضمانت حقوق تضمین نشده و تفکیک قوا تعیین نشده باشد، قانون اساسی ندارد» (ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروند). با حذف اصل تعدد قضات، نگرانی‌هایی در خصوص به‌خطر افتادن استقلال قضات مطرح می‌شود. با وجود اتخاذ تدابیر مهم دیگری برای تضمین استقلال مراجع قضایی، حقیقت آن است که دادرس منفرد به مراتب بیشتر در معرض فشارهای آشکار یا پنهان، به‌ویژه فشارهای سیاسی، قرار دارد تا قضات عضو هیئت‌های قضایی. (Cohendet, 2006: 719). تعدد قضات تا حد زیادی این نوع فشارها را مهار می‌کند. هم‌رایی، قاضی را هم‌زمان در برابر خودش و فشارهای همتایانش مراقبت می‌کند؛ محافظت از خودش در برابر خودش از این بابت است که او را ملزم به ژرف‌نگری می‌کند تا بی‌طرفانه تحت نظارت مستمر و با کمک سایر دادرسان عضو هیئت قضایی به تمیز حق بپردازد؛ همچنین، اعمال اصل تعدد، قاضی را در برابر فشارهای دیگر دادرسان که ممکن است به دنبال جهت‌دهی به امتیازات شغلی و پیشرفت حرفه‌ای او

براساس معیارهایی که فاقد عینیت هستند، حمایت می‌کند. به علاوه، این اصل قاضی را در برابر فشارهای پنهان یا آشکار قوه مقننه یا مجریه مصون می‌دارد: (Cohendet, 2006). (720 در کشور فرانسه دادگاه‌های بازرگانی به‌عنوان مرجع اختصاصی و بخشی از دادگاه‌های مدنی، تابع قوه قضاییه هستند (صدرزاده‌افشار، ۱۳۷۶: ۸). گفته شد که در امور بازرگانی، دادرسی که انتخاب شده است و وظیفه قضاوت هم‌تایان خود، بازرگانان یا صنعتگران را بر عهده دارد، به‌نظر می‌رسد بیشتر در معرض خطر انحراف از این اصل باشد (Saudeau, 1994: 292). بی‌طرفی و عدم استقلال دادرسان دادگاه‌های بازرگانی در فرانسه، نکوهش شده است (Assemblée-Nationale, 1998: Partie I Tome II) شورای قانون اساسی فرانسه در پاسخ به پرسش مطرح شده مبنی بر اینکه مغایرت نظام انتخاب دادرسان دادگاه‌های بازرگانی با اصل استقلال و بی‌طرفی و اینکه اعطای اجازه به دادرسان این دادگاه‌ها برای انجام هم‌زمان وظایف قضاوت و عضویت در اتاق بازرگانی و صنعت به‌اصل تفکیک قوا و در نتیجه به استقلال آنها خدشه وارد می‌کند پاسخ داده که: ادای سوگند دادرسان دادگاه بازرگانی، درست مانند قضاوت حرفه‌ای پیش از آغاز کار یادآوری می‌کند که ایشان مأموریت دارند تا دعوا را مطابق با ضمانت‌های استقلال و بی‌طرفی حل و فصل کنند. افزون بر آن، اعمال مقررات کد سازمان قضایی به دلیل امتناع از رسیدگی^۱ یا رد دادرسی^۲ و از سوی دیگر، صلاحیت دادگاه پژوهش برای ارجاع پرونده به مرجع قضایی دیگر با صلاحیت مشابه، می‌تواند از صدور رأی توسط دادرسان دادگاه بازرگانی که مربوط به یکی از همکاران آنهاست، جلوگیری کند. همچنین، اعلام شد که مقررات مربوط به محدود بودن دوره تصدی قضاوت دادگاه‌های بازرگانی، ضمانت‌های لازم را برای منع مشارکت هر قاضی در رسیدگی به پرونده‌ای که در آن حتی به‌طور غیرمستقیم ذی‌نفع است، ایجاد می‌کند و مقررات مربوط به انتخاب برای چند دوره متوالی و رایگان بودن خدمت ایشان به‌خودی خود به‌اصول بی‌طرفی و استقلال خدشه‌ای وارد نمی‌کند (Dé cision n°2012-241 QPC du 4 mai 2012: 7). در خصوص لزوم داشتن استعداد، توانایی و صلاحیت حرفه‌ای هم بیان شد که

1. Le Renoncement.

2. La Re cusion.

در مورد دادرسان دادگاه بازرگانی، شرایط تصدی مانند داشتن دست کم ۳۰ سال سن و پنج سال سابقه فعالیت حرفه‌ای و نبودن تحت فرایند حفظ^۱، بازسازی^۲ یا تصفیه قضایی^۳ و از سوی دیگر اینکه ایشان فقط به دعاوی بازرگانی رسیدگی می‌کنند، ضمانت‌های واقعی را از نظر صلاحیت حرفه‌ای ارائه می‌دهند (Dé cision n° 2012-241 QPC du 4 mai 2012: 10-12).

رعایت اصل تعدد قضات همچنين استقلال عدالت را تضمین می‌کند (Saudeau, 1994: 292)؛ بدین صورت که رای نهایی، حاصل نظر و اراده کل مجموعه دادرسان است، فارغ از اینکه این رای به صورت متفق یا با اکثریت حاصل شده باشد. رای نهایی، بیانگر نظر و اراده هر یک از قضات تلقی می‌شود و هویت فردی هر یک از ایشان در هویت جمعی ذوب می‌شود (Menuret et al., ۲۰۱۲: ۱۶-۲۰). در این صورت، مسئولیت صدور حکم بین سه قاضی تقسیم می‌شود. بی‌نامی قضات در صدور رأی هیئت قضات، آنان را از کینه‌ها، تهدیدها و حتی انتقام‌جویی‌ها در امان نگه می‌دارد اما قاضی واحد، رأی را با نام خود امضا می‌کند و بی‌نامی دیگر برای او معنایی ندارد (Saudeau, 1994: 292). بر همین پایه، اصل محرمانه بودن مذاکرات قضات در ماده ۴۴۸ ک.آ.د.م.ف. به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. در این ماده آمده است که شور دادرسانی قضات محرمانه است (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۰۸). این اصل همچنین در سوگند یاد شده توسط دادرسان دادگاه‌های بازرگان در بدو تصدی منصب قضایی منعکس شده است.

در ایران، اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، بر استقلال قوه قضاییه از دو قوه مقننه و قضاییه، تصریح کرده است؛ اصل شصت و یکم قانون اساسی نیز اعلام نموده که «اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است». با توجه به اینکه دادگاه‌های عمومی حقوقی که هم‌اکنون به دعاوی بازرگانی رسیدگی می‌کنند، از اصلی‌ترین بخش‌های ساختار قوه قضاییه می‌باشند و بسا که نمود اصلی «دادگاه‌های دادگستری» در این

1. La Sauvegarde.

2. Le redressement.

3. La liquidation judiciaire.

دادگاه‌ها متجلی می‌شود، استقلال ساختاری این مراجع با شبهه جدی روبرو نیست. افزون بر آن، در امتداد تخصیص شعبه ویژه رسیدگی به دعاوی در قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی و قانون حمایت از مالکیت صنعتی در ساختار قوه قضاییه از مفاد ل.آ.د.ت. و اندک مواد ل.ت. در خصوص تشکیل دادگاه تجارت بر می‌آید که همچنان موقعیت این دادگاه در بدنه قوه قضاییه محفوظ باقی خواهد ماند. و از این زاویه نیز نمی‌توان به استقلال ساختاری این مراجع خرده گرفت؛ در نتیجه، در صورت تشکیل این دادگاه‌ها امتثال حکم مندرج در بند یکم اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی که از جمله وظایف رئیس قوه قضاییه «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» برشمرده شده است، متحقق خواهد شد.

در خصوص استقلال در استخدام در این دادگاه‌ها، اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی با واگذاری استخدام قضات و امور مربوط به آن به رئیس قوه قضاییه، به این موضوع توجه نشان داده است. شکی نیست که اگر ورود به خدمت از طریق برگزاری آزمون عمومی و در اختیار قراردادن فرصت رقابت برابر برای همه داوطلبان باشد، استقلال قضات از این بعد، متزلزل نمی‌شود. در بندی ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ قوه قضاییه موظف بوده تا «لایحه جامع اداری و استخدامی خود را تهیه نماید تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد» که به جای آن به آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۶ رییس قوه قضاییه کفایت شده است. بند ۱۱۳ ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ هم جذب قاضی را «از طریق آزمون استخدامی و در فضای رقابتی از میان استعدادهای برتر و نخبگان» مورد حکم قرار داد. با توجه به دلالت عبارت «آزمون استخدامی» و به قرینه «فضای رقابتی» در این بند که دلالت بر لزوم برگزاری آزمون کتبی برای تمامی داوطلبان تصدی سمت قضایی دارد، اعتبار روش «جذب اختصاصی» که بنابر ماده ۶ آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۶ که فرایند جذب داوطلبان «از طریق مصاحبه علمی» و بدون آزمون کتبی

تجویز شده بود، با تردید روبرو می‌گردد و به‌گونه‌ای می‌تواند شائبه عدم استقلال قضاتی که از طریق این فرایند استخدام می‌شوند را ایجاد کند.

باید همواره در خاطر داشت که سامانه قاضی واحد نمی‌تواند به‌درستی عمل کند مگر آنکه دادرس از زمان آغاز کار، از تخصص حرفه‌ای و همچنین تجربه کافی برای صدور رای مستقل در مورد مسائل پیچیده را داشته باشد. وانگهی حقیقت قضایی بیشتر از ویژگی‌های فردی به دست می‌آید تا اینکه پس از گفت‌وگوهای میان قضات هویدا شود. مستنبط از این گفته، نخستین گام، اطمینان از صلاحیت شخصی و آموزش قضات است؛ چه آنکه، استقلال و بی‌طرفی نیز، بیشتر به‌شخصیت و خلق‌وخوی فردی برمی‌گردد و نوش‌دارو را باید در استخدام دادرسان آموزش‌دیده و جاافتاده که به‌سبب غنی بودن از تجربیات انسانی واکنش‌های معتدل‌تری نشان می‌دهند جست (Vincent et al., 2003:189). در این باره، گذشته از مواردی که درخصوص لزوم افزایش سابقه در بخش «وحدت قاضی در دعاوی بازرگانی ایران» ابراز شد، توجه به‌طول دوره کارآموزی قضات می‌تواند سودمند باشد. چه آنکه، گذشته از ماده واحده قانون تشخیص لزوم کارآموزی برای متقاضیان امر قضا مصوب ۱۳۶۶ که بنابر آن «تشخیص لزوم کارآموزی برای متقاضیان امر قضا و نیز در صورت لزوم مدت کارآموزی برای کارآموزان قضایی با شورای عالی قضایی است» و اختیارات بی‌حد و حصری را به‌تصمیم‌گیران اعطا نموده است، بر مبنای ماده ۳۲ آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات «مدت دوره کارآموزی دوازده ماه است» که به‌موجب تبصره ۲ همان ماده تا شش ماه هم می‌تواند کاهش یابد. هرچند کوشش انجام شده برای انضباط‌بخشی و حرکت از نقطه‌ای که حتی شخص می‌توانست بی‌آنکه کارآموزی انجام دهد قاضی شود و همه چیز به‌نظر تصمیم‌گیران واگذار شده بود به‌جایی که کمیته‌ای برای موضوع دیده شده امیدبخش است، اما کوتاه‌درنظر گرفتن این دوره و قابلیت کوتاه‌تر کردن آن، فرصت تجربه‌اندوزی را از دادرس می‌گیرد و برمدت زمان خطا و آزمایش او در بدو تصدی پست قضایی می‌افزاید. خوب است که این مدت با فرایند مقایسه شود که برای قاضی حرفه‌ای شدن سپری کردن ۳۱ ماه دوره

کارآموزی اجباری است: L'école nationale de la magistrature E.justice.fr, 2024). (Formation initiale)

۳-۵ هزینه و ضرورت شتاب معقول در دادرسی بازرگانی

برای پاسخ به پرسش برگزیدن روش تعدد یا وحدت دادرس، باید هزینه و زمان صرف شده در هر یک از این دو نظام را هم در محاسبه آورد. به خصوص در امور بازرگانی، مسلم است که در دو زمینه صرفه جویی در منابع و سرعت تصمیم گیری، قاضی واحد در مرحله اول رسیدگی می تواند تعداد زیادی از پرونده های ساده را حل و فصل کند و در دعاوی پیچیده، حکمی سریع صادر کند که طرفین به آن نیاز دارند (Saudeau, 1994: 292). گفتنی است سامانه نظام قاضی واحد به طور فزاینده ای در حال تبدیل شدن به رویه ای رایج در رسیدگی به انواع مختلف پرونده ها، فارغ از پیچیدگی موضوع آن است. با توجه به کمبود دادرس و حجم پرونده های مطروحه، خاطر مشغولی اصلی رسیدگی سریع به پرونده هاست (Perrot 1977: 669). و حتی در فرانسه که سنت به نفع تعدد قضات است، روند معاصر به سمت قاضی واحد است (Vincent et al., 2003: 189; Perrot, ibid).

بالتر از آن، تشکیل جلسات رسیدگی با حضور دست کم سه قاضی، پیچیدگی ها و دشواری های بیشتری را به همراه دارد و نیاز به هماهنگی بین چند نفر است. به همین سبب، برخی از حقوق دانان پیشنهاد می کنند که به قاضی واحد توسل جسته شود تا ظرفیت رسیدگی به پرونده ها در دادگاه ها افزایش یابد و بهبود مدیریت زمان حاصل شود (Commission Européenne Pour L'efficacite de La Justice, 2006: 5.3) هر چند در سوی دیگر، اظهار نظر شده است که «اگر جمع کردن فعالیت افراد مختلف موجب تضييع وقت است در عوض مشاوره و تبادل فکر بین آنها به نفع کشف حقیقت تمام می شود. کندی هم در هر صورت در دستگاه دادگستری غیر قابل احتراز است و اگر درست دقت کنیم همین بطوء از لوازم حسن قضاوت و خود مزیت آن است» (متین دفتری، ۱۳۹۷: ۳۶).

برای تسریع در رسیدگی به دعاوی بازرگانی در فرانسه، هم‌در مرحله نخستین^۱ و هم‌در دادگاه پژوهش^۲، شفاهی بودن دادرسی به تسریع رسیدگی به دعاوی کمک می‌کند. علاوه بر این، در ماده ۸۷۶ ک.آ.د.م.ف. تمهید شده است که «در فرض فوریت، تقاضا را می‌توان به محل اقامت رئیس دادگاه یا محلی که او در آن فعالیت حرفه‌ای خود را انجام می‌دهد، ارائه نمود» (محسنی، ۱۳۹۴: ۱۰۲؛ Saudeau, 1994: 306). صرفه‌جویی هزینه‌های دولت با اعمال روش وحدت قاضی در مورد دادرسان دادگاه‌های بازرگانی فرانسه معنی پیدا نمی‌کند، چرا که ایشان، رایگان فعالیت می‌کنند (Saudeau, 1994: 292). به صورت کلی نیز، طبق ماده ال.۱۱۱-۳ کد سازمان قضایی فرانسه، «آرای قضایی باید در مهلت معقول صادر شوند» و نقض آن منجر به مسئولیت دولت به دلیل عملکرد ناقص خدمات عمومی عدالت می‌شود (Debard & Guinchard, 2017: 640).

در ایران، هم‌اکنون، استفاده از روش اختصاری، رویه جاری در دادگاه‌های حقوقی است که در دعاوی بازرگانی نیز، از آن استفاده می‌شود و از این بابت اعمال آن را در دعاوی بازرگانی نمی‌توان امتیازی برای این نوع دعاوی انگاشت. موضوعی که به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۴۸۴ ل.ت. که رسیدگی به امور و دعاوی مشمول صلاحیت آن دادگاه را «تابع اصول و مقررات دادرسی مدنی» قرار داده است، در دادگاه تجارت هم ادامه پیدا خواهد کرد. جالب توجه است که در ل.آ.د.ت طریق رسیدگی عادی انتخاب شده بود که به نظر می‌رسد خود مانع شتاب بخشیدن به جریان رسیدگی شود؛ به‌ویژه آنکه بالحاظ عدم اجرای سامانه تعدد قاضی در آن مرجع، دادگری را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. فارغ از موارد اشاره شده، در لایحه مزبور، برای تسریع در روند دادرسی، افزون بر کوتاه نمودن مواعد قانونی مانند مهلت پاسخدهی در ماده ۳۷ و یا تجدیدنظرخواهی در ماده ۸۳ آن و یا فرجام‌خواهی در ماده ۸۷ تدابیر گوناگونی و تسهیل‌کننده‌ای برای رسیدگی به دعاوی مقرر شده بود که می‌توان به کفایت انتشار مفاد دادخواست در پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی قوه قضائیه آگهی در مواردی که خواهان نتواند نشانی خوانده را معین نماید (ماده ۳۴) و

۱. ماده ۸۶۰-۱ ک.آ.د.م.ف.

۲. بند ۱ ماده ۹۴۶ ک.آ.د.م.ف.

... اشاره کرد، موضوعی که جای خالی آن به شدت در ل.ت. احساس می‌شود. در این زمینه اجرای ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم توسعه که قوه قضائیه و وزارت دادگستری را مکلف به فراهم نمودن «امکان انجام اموری از قبیل ارجاع پرونده، تعیین وقت، انتخاب کارشناس و اتخاذ تصمیم در امور فاقد پیچیدگی قضائی را با استفاده از فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی» نموده است هم سودمند خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تأسیس دادگاه تجارت که آخرین بار در ل.ت. مصوب فروردین‌ماه سال جاری مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته، پیروز نخواهد بود مگر به‌پشتوانه دادرسانی که بتوانند اهداف آن را دستیاب کنند؛ برای رسیدن به این مطلوب راه‌های گوناگون در مقابل است. یکی از اینها، سپردن مصدر قضاوت به دادرسانی از میان بازرگانان است؛ روشی که بیش از چهار صد سال در فرانسه دنبال شده و در آن کشور موفق هم بوده است. اما، این روش که در کشور ما نیز امتحان شد، ره به جایی نبرد و مطالعات تطبیقی از سیستم‌های مختلف هم نشان می‌دهد که در زمینه دادگاه‌های بازرگانی، الگوی دادرسان صرفاً تجاری، در همه‌جا به‌جز فرانسه کنار گذاشته شده است. در این کشور هم برای جبران این نقص، علاوه بر لوایح متعددی که برای افزودن قاضی حرفه‌ای در ترکیب دادرسان دادگاه‌های بازرگانی ارائه شده است، پژوهش از آرای دادگاه بازرگانی به شعب تجاری دادگاه تجدیدنظر که مرجع عام پژوهش کلیه آرای صادره از مراجع مدنی نخستین می‌باشد و منحصرأً از قضات حرفه‌ای تشکیل شده، سپرده شده است تا مطمئن شوند که تصمیماتی که توسط دادرسان غیر حرفه‌ای صادر می‌شوند، توسط قضات حرفه‌ای بازمینی و رسیدگی شود. به‌کارگیری «ترتیب انتخاب مختلط» در ایران نیز، زمانی توسط برخی اندیشمندان حقوقی، برای کشور ما مناسب دیده شد (متین‌دفتری، ۱۳۹۷: ۶۰) مربوط به دورانی است که برتری رسیدگی به دعاوی تجاری توسط متخصصین حقوقی به اثبات نرسیده بود و تبدیل به رویه غالب نشده بود؛ از این رو، هم‌اکنون، بهتر است تلاش‌ها مصروف تشخیص ویژگی‌های قضات حرفه‌ای دعاوی بازرگانی باشد.

به‌کار گماردن چند قاضی در تمیز حق، اطمینان مخاطبین دادگاه را به کیفیت آرای صادره افزایش می‌دهد و ازسوی دیگر استقلال‌وبی‌طرفی دادگاه و قضات آن را تحکیم می‌کند. اما، با توجه به پیچیدگی‌هایی که در تصمیم‌گیری گروهی و لزوم هماهنگی بین چند نفر به‌جای یک نفر وجود دارد، چابکی را از دادگاه بازرگانی می‌گیرد و خود عامل‌کندی خواهد شد که در فرجام، اساس تشکیل این دادگاه‌ها را با پرسش روبه‌رو خواهد کرد. افزون بر آن، این رویکرد، می‌تواند به نقش حمایتی قاضی دادگاه تجارت و لزوم اتخاذ تصمیمات فوری

توسط او لطمه بزند. برای بهره‌بردن از منافع تعدد دادرس این امکان نیز وجود دارد که باحفظ قدرت مخالفت طرفین دعوا، در موارد مهم برای رییس دادگاه اختیار ارجاع دعوا به چند قاضی وجود داشته باشد.

در پایان باید گفته شود که ماده ۴۸۳ ل.ت و مورد متناظر آن در ماده ۱۱ ل.آ.د.ت. که به‌ویژگی‌های دادرسان دادگاه بازرگانی پرداخته است، برای نائل شدن به هدف از وضع آنها کافی نیست. به‌ویژه که در این دادگاه‌ها روش تک‌قاضی اجرا خواهد شد و یک‌قاضی باید وظیفه چندقاضی را انجام دهد. از این‌رو، بایسته است مواد مربوط طوری نوشته شوند که تردیدی در خصوص تخصص و تبحر قضات این دادگاه‌ها که زندگی و مرگ حیات اقتصادی جامعه به آنها واگذار می‌شود، ایجاد نشود. پیشنهاد ما در این مورد، افزایش سابقه درنظرگرفته شده و اطمینان از دانش ایشان از طریق برگزاری آزمون و گذراندن دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی باکیفیت است.

منابع و مأخذ

فارسی

- اسکینی، ربیعا، (۱۳۸۶)، حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، ج ۱، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- افتخار جهرمی، گودرز و خراسانی، علی، (۱۳۹۶)، تبیین اصول و قواعد دادرسی تجاری و ارزیابی کارایی آن از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، مطالعات حقوق تطبیقی، ۸، (۱).
- شمس، عبدالله، (۱۴۰۱)، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد ۱، چاپ چهل و پنجم، تهران: دراک.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن، (۱۳۷۶)، سازمان و صلاحیت مراجع مدنی فرانسه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷، (۰).
- غمامی، (۱۴۰۱)، جستاری تطبیقی در اوصاف نظام دادرسی مطلوب، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، 13(27)، 149-170.
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، (۱۳۹۲)، پیرامون برخی نوآوری‌ها و نقاط ضعف اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، مطالعات حقوق خصوصی، 43(2).
- قاسمی‌حامد، عباس، غفوری‌اصل، غزل، (۱۳۹۵)، لزوم احیای دادگاه‌های تجاری در ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۹، (۷۳).
- قربان‌پور، امیرمهدی، (۱۳۸۲)، شاخصه‌های عدالت در دادرسی و نظام قضایی کنونی ایران، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، 4 شماره ۲ و ۳.
- کاویانی، کورش، رحمتی، پرویز و خودکار، رضا، (۱۳۹۴)، نقدی بر نهاد مشاوره در لایحه آیین دادرسی تجاری، پژوهش‌های حقوقی، ۱۷، (۳۴).
- لایحه «آیین دادرسی تجاری»، ۱۳۹۰.
- مافی، همایون، افشار و نگینی، رحمان، (۱۴۰۱)، ایجاد دادگاه تجاری در راستای اصل سرعت در آیین دادرسی، فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، ۵، (۱۴).
- متین‌دفتری، احمد، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ ششم، تهران: مجد.
- محسنی، حسن، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی مدنی فرانسه، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- محسنی، حسن، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی فرانسه، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- محسنی، حسن، (۱۳۸۵)، مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمییز این اصول از تشریفات دادرسی، مجله کانون وکلا، بهار و تابستان، ۱۹۲ و ۱۹۳.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه آیین دادرسی تجاری»، ۱۳۹۵/۶/۳، قابل دسترس در:
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/989008>
- منتسکیو، (۱۳۶۲)، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

References

- A. Ghasemi Hamed & Gh. Ghafouriasl, (2016), The Necessity of Revitalize the Commercial Courts in Iran. Legal Research Quarterly, 19(73). (in Persian)
- ADB (Asian Development Bank), 2022, Commercial Courts: Exploring Key Models, Available at: <https://lpr.adb.org/sites/default/files/event/1709/commercial-courts-2411-v2.pdf>
- Assemblée Nationale, (1998) Rapport Fait au Nom De La Commission D'enqu'ete (1) Sur L'activite et Le Fonctionnement Des Tribunaux De Commerce, Available at <https://www.assemblee-nationale.fr/11/dossiers/tribunaux-de-commerce.asp>.
- Block, D. J., Chaitman, H. D., Clark, W. H., DiBlasi, G. V., Griffin, C. A., Haig, R. L., ... & Brandel, R. E. (1997), Business courts : Towards a more efficient judiciary, BUSINESS LAWYER, 52(3).
- Chaput, J. (2019). La collégialité dans le procès civil (Doctoral dissertation, Université de Pau et des Pays de l'Adour).
- Cohendet, M. A. (2006). La collégialité des juridictions: un principe en voie de disparition?. Revue française de droit constitutionnel, (4).
- Commission Europeenne Pour L'efficacite de La Justice (CEPEJ), Compendium de bonnes pratiques pour la gestion du temps dans les procédures judiciaires, Strasbourg, 6 et 8 dé c. 2006 https://rm.coe.int/1680747748#_ftn3
- Debard, T., & Guinchard, S. (2017). Lexique des termes juridiques 2017 2018.
- Décision n°2012-241 QPC du 4 mai 2012
- Dreyfuss, R. C. (1990). Specialized adjudication, Byu L. Rev., 377.

- Dreyfuss, R. C. (1995). Forums of the Future: The Role of Specialized Courts in Resolving Business Disputes', Brook. L. Rev., 61, 1.
- Eftekhar Jahromi, G., & Khorasani, S. A. (2017). The Principles and Regulations of Commercial Procedure : An Economic Analysis. Comparative Law Review, 8(1), 45-65 (in Persian).
- ENM (L'è cole nationale de la magistrature,) (2024), Formation Initiale, Retrieved from: <https://www.enm.justice.fr/formations/magistrats/formation-initiale>
- Eskini, R. (2008), Commercial Law, Generalities, Commercial Acts, Merchants and the Organization of Commercial Activity, Second edition, Tehran, SAMT Publication. (in Persian).
- G. Cornu, Vocabulaire juridique, 12e é d., Quadrige, PUF, 2018.
- Ghamami, M. (2022). An Investigation into the Characteristics of Due Process. Jurisprudence and Islamic Law, 13(27), 149-170. doi: 10.22034/law.2021.46656.2929(in Persian).
- Ghamami, M., & Mohseni, H. (2013). ABOUT SOME INNOVATIONS AND WEAKNESSES OF PRINCIPLES OF TRANSNATIONAL OF CIVIL PROCEDURE. Law Quarterly, 43(2), 39-58. (in Persian).
- Ghorban Poor, A. M. (2003). Indicators of Justice in Jurisprudence and the Current Judicial System in Iran. The Journal of Islamic Law Research, 4(Issues 2 & 3) (in Persian)
- Gibbons, J. J. (1995). The quality of the judges is what counts in the end. Brook. L. Rev., 61, 45.
- Hansard, Tribunals of Commerce, (1858, April 15) Volume 149. Retrieved from: <https://hansard.parliament.uk/Commons/1858-04-15/debates/c7666029-c0b5-47c5-87eb-0a718eb5c4ce/TribunalsOfCommerce>
- https://www.conseil-constitutionnel.fr/sites/default/files/as/root/bank_mm/decisions/2012241qpc/2012241qpc.pdf
- Jean, J. (2007). Le modè le français des tribunaux de commerce peut-il (et doit-il) être ré formé ? Histoire de la justice, 17, 187-197.

- Kaviani, D. K., Rahmati, P., & Khodkar, R. (2018). An Overview on the Concept of Consultation in the Bill of Commercial Procedure. *Journal of Legal Research*, 17(34), 241-260. (in Persian)
- Kessler, A. D. (2010). Marginalization and myth: the corporatist roots of France's forgotten elective judiciary. *The American Journal of Comparative Law*, 58(3).
- Kroeze, Maarten J., The Dutch Companies and Business Court as a Specialized Court (August 1, 2006). Available at : SSRN : <https://ssrn.com/abstract=976277>
- Le Conseil National des Greffiers des Tribunaux de commerce (CNG), la profession de greffier de tribunal de commerce, mars 2014, Retrieved from : https://www.cngtc.fr/pdf/telechargement/doc_1_39.pdf
- Lemerrier, C. (2006). The Judge, the Expert and the Arbitrator. The Strange Case of the Paris Court of Commerce (ca. 1800-ca. 1880). Retrieved from : <https://shs.hal.science/halshs-00106186/document>.
- Mafi, H. and Afshar Vangini, R. (2022). Establishment of Commercial Courts in line with the Principle of Speed in Court Proceedings. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 5(14), 160-184. doi : 10.22034/law.2022.547910.1137 (in Persian)
- Mallet, B. (1994). Le Juge unique en matière commerciale-III. Le Juge des référés. *Revue Juridique de l'Ouest*, 7(4).
- Marshall, D. (2013). Les juridictions du XXI^e siècle, une institution qui, en améliorant qualité et proximité, s'adapte à l'attente des citoyens, et aux métiers de la justice. available at : <https://www.vie-publique.fr/files/rapport/pdf/134000861.pdf>
- Matin-Daftari, Ahmad (2023). *Civil and Commercial Procedure*. Tehran: Majd. (In Persian)
- Menuret, J. J., & Reiplinger, C. (Eds.). (2012). *La collégialité, valeurs et significations en droit public*. Primento.
- Mohseni, Hassan (2014). *Civil Procedure of France*, Vol. 1, Tehran, Enteshar Publications. (in Persian)
- Mohseni, Hassan (2015). *Civil Procedure of France*, Vol. 2, Tehran, Enteshar Publications. (in Persian)

- Montesquieu, S. L. (1983). *Rooh al-qavanin* (translated by Ali Akbar mohtadi). Tehran : Amir Kabir. (in Persian)
- Pouille, A. (1985). *Le pouvoir judiciaire et les tribunaux*.
- Perrot, R. (1977). *Le juge unique en droit français*. *Revue internationale de droit comparé*, 29(4).
- Raviart, Eugène, (1932) *Les tribunaux de commerce : traité -formulaire de l'organisation, des règles et des usages des tribunaux de commerce et de la procédure commerciale* (tome 1), Paris : Librairie des Juris-classeurs-Éditions Godde
- Saudeau, R. (1994). *Variétés : Le juge unique en matière commerciale. Introduction : Le déclin de la collégialité, ses causes et ses conséquences*. *Revue juridique de l'Ouest*, 7(3).
- Shams, Abdollah (2022). *Civil Procedure (Advanced Course)*. Vol. 1., Tehran: Derak. (In Persian)
- Standing International Forum of Commercial Courts (Sifocc), France, 2024 retrieved from: <https://sifocc.org/countries/france/>
- Stempel, J. W. (1995). *Two cheers for specialization*. *Brook. L. Rev.*, 61, 67.
- Stolowy, Nicole 2017, *How France's Commercial Courts Stay Relevant Through the Centuries* Available at: <https://www.hec.edu/en/knowledge/articles/how-france-s-commercial-courts-stay-relevant-through-centuries>
- Teixeira, J. C., Bigotte, J. F., Repolho, H. M., & Antunes, A. P. (2019). *Location of courts of justice : the making of the new judiciary map of Portugal*. *European Journal of Operational Research*, 272(2), 608-620.
- Vincent, J., Guinchart, S., Montagnier, G., & Varinard, A. (2003). *Institutions judiciaires : organisation, juridictions, gens de justice*. Paris : Dalloz.
- Wagner, G., & Arntz, A. (2020). *Commercial Courts in Germany. Dispute Resolution in China, Europe and World*, 3-30.